

آیا ممکن است ایماندار نجاتش را از دست بدهد؟

رومیان 8

38: زیرا یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه ریاستها، نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده، نه هیچ قدرتی،
39: و نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگر در تمامی خلقت، قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد.

خدا در این آیات مشخص کرده که به هیچ وجه ایماندار نجاتش را از دست نخواهد داد. نجات کاری است که خدا برای ایماندار انجام داده و آنچه خدا انجام دهد ابدی است. شک به کلام خدا شک به خدا است چون او و کلامش یکی می باشند. شیطان است که شک را نسبت به هر چه از خدا است ایجاد می کند. اگر شک هنوز وجود دارد، باید آیات مربوط به نجات را حفظ کرد و روزانه به زبان آورد. آنوقت روح القدس چشم دل را باز خواهد کرد و برداشت کامل از کلامش را بوجود خواهد آورد.

رومیان 11

1: پس می‌پرسم: آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ هرگز؛ زیرا من خود اسرائیلی‌ام، از نسل ابراهیم و از قبیله بنیامین.

خدا قوم خود (کسانی که مسیح را بعنوان منجی و خدای خود قبول کردند) را هرگز رها نخواهد کرد. فرق "خدا" حقیقی و "خدا"های دیگر در این است. خدای حقیقی نجات را از طریق عیسی مسیح فراهم ساخته و بدون نجات نمی توان خدا را در زندگی خود داشت. روح القدس باید در دل ساکن باشد تا شیطان را برای همیشه از دل خارج کند. در دوران شریعت یهودیان اسرائیل احتیاج به اجرای قوانین خدا را داشتند تا بتوانند در پیشگاه خدا حاضر شوند. اما پس از مرگ عیسی مسیح بر صلیب و صعود او به آسمان، هر که به او ایمان آورد از آن لحظه و تا ابد خدا را در وجود خود خواهد داشت.

یوحنا 11

25: عیسی گفت: «قیامت و حیات مَمَم. آن که به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، باز زنده خواهد شد.»

26: و هر که زنده است و به من ایمان دارد، بهیقین تا به ابد نخواهد مرد؛ آیا این را باور می‌کنی؟»

در این آیات می بینیم که مرگ و حیات هر یک به دو گونه هستند. مرگ و حیات هر یک روحانی و جسمانی هستند. آن که عیسی مسیح را قبول کرده حیاتش ابدی است و تنها جسم او است که از میان خواهد رفت. اما کسی که به عیسی مسیح ایمان نیاورده نه تنها مرگ جسمانی خواهد داشت،

بلکه مرگ روحانی (حیاتش) را نیز دارد. دلیل آنکه عیسی مسیح می گوید "آیا این را باور می کنی؟" این است که هر کس نمی تواند آن را باور کند. روح القدس را می خواهد تا بتوان آن را باور کرد. روح خدا است که هر چه از خدا است را شناسائی می کند. وقتی روح خدا وارد انسان شد، آنوقت نجات را ("به یقین تا به ابد نخواهد مرد") بوجود خواهد آورد. این حیات جاودان ("تا به ابد نخواهد مرد") تنها در پیشگاه خدا (بهشت خدا) موجود است و درب ورود به آن را خدا از طریق نجات (از جهنم شیطان) فراهم ساخته است. نتیجتاً می بینیم، نجاتی که باعث حیات جاودان شده نیز ابدی است.

عبرانیان 13

5: زندگی شما بری از پولدوستی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید، زیرا خدا فرموده است: «تو را هرگز و نخواهم گذاشت، و هرگز ترک نخواهم کرد.»

خدا ایماندار را "وا" نخواهد گذاشت و "هرگز" ترک نخواهد کرد. این وعده خدا است و ربطی به آنچه او می کند و یا نمی کند ندارد. اما خدا نمی خواهد فرزندش از او دوری کند. منظور از "پولدوستی" تنها پول و مال دنیا نیست بلکه هر چه باعث دوری از خدا می شود است. البته ایماندار نجاتش را از خدا یافته، ولی این دلیل نمی باشد که شیطان از زندگی او دست بردار شده است. ایماندار از لحاظ روحانی نجات یافته، اما جسم، گرایش ها، و عاداتش هنوز به شکل قدیم خود باقی است. دست شیطان در زندگی ایماندار از طریق پاکسازی (قدوسیت) برداشته می شود. پاکسازی کار روح القدس است که پس از نجات، در طول زندگی ایماندار صورت می گیرد. پس از آنکه شخص نجات را دریافت کرد، شیطان از طرق مختلف (پولدوستی و غیره) سعی خواهد کرد او را نیازمند خود نماید. اما خدا می فرماید "به آنچه دارید قناعت کنید"، چون خدا در کار است (هرگز و نخواهم گذاشت، و هرگز ترک نخواهم کرد.) و هر چه باعث نزدیکی به دنیا شده را از طریق کتاب مقدس و روح القدس از میان خواهد برد.

افسیان 1

4: زیرا پیش از آفرینش جهان، ما را در وی برگزید تا در حضورش مقدّس و بی عیب باشیم. و از محبت،

5: بنا بر خشنودی اراده خود، ما را از پیش تعیین کرد تا به واسطه عیسی مسیح از مقام پسرخواندگی او برخوردار شویم؛

خدا ایماندار را "پیش از آفرینش جهان" در خود برگزید، و در نتیجه می بینیم که همه چیز در زندگی ایماندار (چه خوب و چه بد) در دست خدا است، و او با آن کار می کند تا ایماندار را "در حضورش مقدّس و بی عیب" نماید. مسائل و مشکلاتی که در زندگی یک ایماندار بوجود می آیند بخاطر آن نیستند که در واقع نجات نیافته و یا نجاتش را از دست داده است. خدا فرموده "«زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگرده، بلکه حیات جاویدان یابد" (یوحنا 3: 16). این وعده ایست که خدا داده و ربطی به آنچه در زندگی او واقع می شود ندارد. اما خدا همچنین می گوید "شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید. باید

طرز فکر شما نو شود، و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد" (افسیان 4: 22-24). این کار (پاکسازی) را روح القدس تنها پس از نجات انجام می دهد. نجات باید صورت بگیرد تا پاکسازی خدا انجام شود، و این پاکسازی ها از طریق همان مسائل و مشکلات زندگی صورت می گیرند. خدا از پیش تعیین کرده چه کسی به مقام "پسر خواندگی" (فرزند خدا) نائل خواهد شد و هیچ ربطی به آنچه در گذشته کرده یا نکرده ندارد. این پسر خواندگی را خدا "بنا بر خشنودی و اراده خود" انجام می دهد.

افسیان 2

8: زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست -
9: و نه از اعمال، تا هیچ‌کس نتواند به خود بیابد.

"نجات" کاری نیست که ما ایمانداران در آن دست داشته ایم. وقتی به عیسی مسیح ایمان آوردیم، فیض خدا در کار بود و نجات را ایجاد نمود. این تنها کار خدا بود و ما کاری برای آن نکردیم. البته قبلاً در دوران شریعت (عهد قدیم) کار نیک (اعمال) لازم بود تا خدا را خوشنود نمود. اما حال در دوران نجات (عهد جدید) زندگی می کنیم و خود دستی در آن نداریم. البته زندگی در عهد جدید فاقد اعمال نیست. کلام خدا در عهد جدید اهمیت اعمال نیکو را به وضوح نشان داده است. اما ابتدا نجات (آزاد شدن از بند گناه) لازم است تا کارهای نیکو انجام گردند.

رومیان 5

8: اما خدا محبت خود را به ما این‌گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد.

در این آیات نیز نجات را بعنوان کار منحصر به فرد خدا می بینیم. محبت خدا به حدی است که یگانه فرزندش را بخاطر گناه کار حلاک کرد. خدا از ابراهیم همان را خواست، ولی محبتش اجازه اجرای چنین کاری را نمی داد. اما خود این کار را کرد. عیسی مسیح می فرماید: " زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من جان خود را از دست بدهد، آن را باز خواهد یافت." (متی 16: 25). زمانی که ما گناه کار بودیم (در واقع دشمن او)، او توسط ایمان به عیسی مسیح ما را نجات داد. کاری در این خصوص نکردیم. این معجزه خدا بود. زمانی که کفاره گناهان ما پرداخت شد ("مسیح در راه ما مرد")، نجات (از بند گناه) به ما عطا شد و این نجات ابدی بود. در عهد قدیم ایمانداران به خدا (یهودیان) مجبور بودند قبل از حضورشان در پیشگاه خدا حیوانی را قربانی کنند. جان این حیوانات فانی بود و در نتیجه کفاره محدودی را برای گناهانشان فراهم می ساخت. اما جان عیسی مسیح ابدی است و به همین خاطر قربانی ابدی است. نجات عیسی مسیح ابدی است.